

کریسمس یا نونل جشنی است در آیین مسیحیت که به منظور گرامی‌داشت زادروز مسیح برگزار می‌شود. بسیاری از اعضای کلیسای کاتولیک روم و پیروان آیین پروتستان، کریسمس را در روز ۲۵ دسامبر جشن گرفته و بسیاری آن را در شامگاه ۲۴ دسامبر نیز برگزار می‌کنند. اعضای بیشتر کلیساهای ارتودوکس در سراسر دنیا نیز روز بیست و پنجم دسامبر را به عنوان میلاد مسیح جشن می‌گیرند برخی از مسیحیان ارتودوکس در روسیه، اوکراین، سرزمین مقدس (ناحیه تاریخی فلسطین) و دیگر مکانها، به سبب پیروی از گاهشماری یولیان، جشن کریسمس را در روز ۷ ژانویه برپا می‌دارند. اعضای کلیسای ارمنه طبق سنت منحصر به فردی، روز میلاد و همچنین روز غسل تعمید مسیح را همزمان با روز ششم ژانویه جشن می‌گیرند.

ایام دوازده روزه کریسمس با سالروز میلاد مسیح در ۲۵ دسامبر آغاز گشته و تا جشن خاخ‌شویان در روز ۶ ژانویه ادامه می‌یابد. هرچند مهم‌ترین عید مذهبی در گاهشمار مسیحی، روز عید پاک (به عنوان روز مصلوب شدن و رستاخیز عیسی) است، بسیاری به‌خصوص در کشورهای ایالات متحده و کانادا، کریسمس را مهم‌ترین رویداد سالانه مسیحی محسوب می‌دارند. با وجودی که این روز، یک عید مذهبی شناخته می‌شود، از اوایل سده بیستم میلادی به بعد به طور گسترده به عنوان یک جشن غیر مذهبی برگزار شده و برای بیشتر مردم، این ايام فرصتی است برای دور هم جمع شدن اقوام و دوستان و هدیه دادن به هم. کریسمس با آیین‌های ویژه‌ای به‌طور مثال آراستن یک درخت کاج، برگزار شده و شخصیتی خیالی به نام بابائولن در آن نقش مهم دارد.

برگزاری کریسمس در کشورهای مختلف مسیحی بنا به سنت و رسم و رسوم آنان، تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارد. اما مشترکات این مراسم این است که، مسیحیان برای جشن گرفتن میلاد عیسی مسیح به کلیساها می‌روند، در منزل یک درخت کاج را تزیین و چراغانی می‌کنند و در خیابان‌ها و کوچه‌ها دسته‌دسته سرودهای پرستشی و شکرگزاری اجرا می‌کنند.

زادروز «رودکی» پدر شعر پارسی



بیشتر مورخان و کرونیکلرها در این که رودکی پدر شعر پارسی نوین (پارسی معاصر) ۲۵ دسامبر سال ۸۵۸ میلادی به دنیا آمده است متفق التولند و برخی هم با محاسبات خود، وقوع آن را در همان روز ولی در سال ۸۶۰ میلادی نوشته اند. سال درگذشت وی ۹۴۰ میلادی است که چند پژوهشگر، درست آن را سال ۹۶۱ میلادی می دانند. رودکی شاعر مشترک همه پارسیان جهان و از عوامل وحدت فرهنگی مردمی است

که در قطعات منفصله ایرانزمین زندگی می کنند و نیاکان و در نتیجه خصلت ها و منش مشترک دارند. ابوعبدالله جعفر ابن محمد (رودکی) در یک روستای رودک منطقه سفند خراسان (اینک واقع در ناحیه پنجتک ایالت سفند جمهوری تاجیکستان) به دنیا آمد و در ناحیه ای نه چندان دور از زادگاهش مدفون شده است. تأثیر چشم گیر رودکی بر پیکره شعر فارسی چنان است که نمی‌توان این شعر را بدون او و در نظر گرفت. شعر رودکی چه به لحاظ مضمون و چه از نظر فرم و قالب فضایی تازه را در ادبیات فارسی پدید آورد و منطق شعر ایرانیان را به طور کلی دگرگون کرد. آن‌چه به عنوان میراث رودکی در میان شاعران و ادیبان ایرانی به یادگار مانده، بعدها موجب توفیق این گروه از اندیشموزران ایرانی در حوزه‌های مختلف و گوناگون شد. در حقیقت در قرن‌های بعد از رودکی شعر فارسی تنها محمل اندیشمندان ایرانی برای بازتاب دادن اندیشه‌ها، آراء و نظریات‌شان بود. نظریاتی که در هیچ قالب و فرم دیگری امکان بروز آن را پیدا نمی‌کردند و تنها بدینوسیله می‌توانستند نسبت به ترویج آن اندیشه‌ها اقدام کنند.

شاید از همین رو باشد که بسیاری از شاعران پارسی‌گوی نه فقط شاعر، بلکه فیلسوف، جامعه‌شناس، مصلح اجتماعی و فعال سیاسی هم بوده‌اند. حال این نقش‌های مختلف گاه در خدمت حاکمیت‌ها بوده و گاه علیه آن‌ها تعریف شده است. اما این رفتارها هرچه که بود و با هر کیفیتی که دنبال شد، شعر و شاعری عمده میراث ما ایرانیان از قرون است که دیگر هنرها در محاق جزماندیشی فرو رفته بود.

زادروز احمد بن بلا



بن بلا در شهر «مغنیه» که در مرز الجزایر با مراکش قرار دارد، به دنیا آمد. او تحصیلات متوسطه خود را در شهر تلمسان به پایان رساند و پس از آن به یکی از برجسته‌ترین چهره‌های کشور در انقلاب علیه اشغال فرانسه تبدیل شد. بن بلا در سال ۱۹۵۰ در شهر الجزایر پایتخت این کشور دستگیر و پس از دو سال بازداشت، به هفت سال زندان محکوم شد. در سال ۱۹۵۶ جنگنده‌های فرانسوی هواپیمای مسافری که به بن بلا به همراه چهارتن دیگر از رهبران جنبش آزادی ملی الجزایر را از مراکش به تونس منتقل می‌کرد مجبور به فرود کردند و او با دیگر دستگیر شد. او به زندانی فرانسوی فرستاده شد و تا روز استقلال الجزایر در روز ۵ جولای ۱۹۶۲ در زندان ماند.

پس از استقلال به عنوان نخستین رئیس‌جمهور الجزایر مستقل برگزیده شد. او اما بیشتر از سه سال در این پست نماند. سرهنگ هواری بومدین علیه حکومت بن بلا کودتا کرد و او را در روز ۱۵ جولای ۱۹۶۵ در حبس خانگی در منطقه‌ای در غرب پایتخت قرار داد. میانجی‌گری‌های جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور وقت مصر برای آزادی بن بلا مفید واقع نشد. هیچ کدام از روسای دیگر کشورها هم که با بن بلا دوست بودند، نتوانستند برای آزادی او کاری از پیش ببرند. بن بلا گفته است که از دوره حبس خانگی ۱۵ ساله خود بسیار بهره برده و از انزوا اجباری برای مطالعه و آشنایی با اندیشه اسلامی و شماری دیگر از اندیشه‌ها استفاده کرده است. او در این دوره با یک خبرنگار الجزایری که در دوره ریاست جمهوری خود با او آشنا شده بود، ازدواج کرد. او به خبرنگاران گفته بود در سال‌های حبس تنها دوستش قرآن بود.

با آغاز ریاست جمهوری شادلی بن جدید و اعلام عفو عمومی در سال ۱۹۸۰، بن بلا آزاد شد و پس از آن الجزایر را به مقصد پاریس و پس از آن سویس ترک کرد. او سرانجام در سال ۲۰۱۲ و در حالی که ۹۶ سال داشت، درگذشت.



۲۵ دسامبر ۱۸۳۴ دولت وقت ایران یک دستگاه ضرب سکه از اروپا (بروکسل) خریداری کرد تا سکه‌ها دارای شکلی زیباتر و صد درصد یکنواخت باشند تا هنگام داد و ستد نیاز به توزین آنها نباشد. این دستگاه که تصمیم به خرید آن در آخرین سال حیات فتحعلی شاه قاجار داده شده بود نخستین ماشین ضرب مسکوک است که از اروپا برای ایران خریداری شده بود. می دانیم که ایران از زمان داریوش بزرگ دارای پول ملی (سکه داریک) شده بود و نخستین کشور جهان بود که نظام پولی داشت. فتحعلی شاه در همان سال در ۶۸ سالگی در اصفهان درگذشت و در قم مدفون شد و با این که فرزندان متعدد داشت، به توصیه او نوه اش محمد میرزا پسر عباس میرزا را بر جایش نشاندند. عباس میرزا که ولیعهد بود قبلاً فوت شده بود.

«ابتکار» در سالروز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بررسی کرد

پایان رویای سرخ



گلعلیر ضامدقی

با وجود گذشت بیش از دو دهه از فروپاشی شوروی، همچنان پرداختن به این مسئله و ارائه تحلیل‌های مربوط به آن بسیار متداول است. اتحاد جماهیر شوروی که با الهام از آرای مارکس، به دنبال وحدتی سوسیالیستی و جهانی با پشتوانه دیکتاتوری پرولتار یا بود، سرانجام بعد از هفتاد سال مقاومت در اواخر دسامبر سال ۱۹۹۱ از هم فروپاشید. با این حال اتحاد شوروی منشا تحولات بسیاری در جهان اندیشه و سرنوشت کشورها بود. این مقاله که به بهانه ۲۶ دسامبر، سالروز فروپاشی این اتحاد در سال ۱۹۹۱ نگاشته شده، تلاش می‌کند تا نگاهی اجمالی به اتحاد شوروی و بعضی از آثار آن داشته باشد.

مارکس و شوروی

«کارل مارکس» جامعه‌شناس و فیلسوف آلمانی (۱۸۱۸-۱۸۸۳) که از مؤثرترین اندیشمندان تاریخ است، منبع الهام‌گیری اتحاد شوروی بود. مارکس که سوسیالیست‌های پیش از خودش مانند «آون»، «هن سیمون» و… را سوسیالیست‌های تخیلی می‌نامید و آنها را به سازشکاری یا بورژوازی متهم می‌کرد، مدلی جدید از سوسیالیسم را مطرح ساخت که خودشان را «سوسیالیسم علمی» نامید و بعدها در چرخشی معنایی و تحت‌اللفظی، سوسیالیسم به مارکسیسم تغییر معنا داد و به اشتباه بسیاری سوسیالیسم را همان کمونیسم معنا کردند. این در حالی است که از نگاه مارکس بعد از دوره‌های کمون، برده داری، فئودالیسم و سرمایه‌داری (بورژوازی)، مرحله سوسیالیسم شکل می‌گیرد و بعدها از سوسیالیسم حکومت کمونیستی شکل خواهد گرفت.

مارکس پیش بینی کرده بود اولین انقلاب سوسیالیستی در انگلستان روی خواهد داد ولی «لنین» در اکتبر ۱۹۱۷ اولین انقلاب سوسیالیستی جهان و اولین پرچم سرخ سوسیالیسم را در روسیه آن زمان برپا داشت.

«ولادیمیر لنین» که اولین رهبر اتحاد شوروی بود، شاید تا حد زیادی پیرو رنگ مارکس بود ولی مرگ لنین بعد از دو سال، انقلابی را که از همان ابتدا داعیه‌دار حق کارگران و ضعیفان بود به استالین گرجی سپرد و صفحات تاریخ پر از جنایات و استبدادهای وی در تاریخ است.

جنگ سرد

بعد از شکست آلمان در جنگ جهانی دوم و برگزاری سه کنفرانس «تهران»، «یالتا» و «پوتسدام» و تقسیم اروپا به دو اردوگاه شرق و غرب، شوروی از یک سو و ایالات متحده و اروپای غربی نیز از یک سو وارد جنگی شدند که هر دو طرف می‌دانستند در صورت نبرد مستقیم هیچ برنده‌ای در آن نخواهد بود.

جنگ سرد اصطلاحی است که به دوره‌ای از تنش‌ها، کشمکش‌ها و رقابت‌ها در روابط ایالات متحده، شوروی و هم‌پیمانان آنها در طول دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۰ اطلاق می‌شود. در طول این دوره رقابت میان این دو ابرقدرت در عرصه‌های گوناگون مانند اتحاد نظامی، ایدئولوژی، روانشناسی، جاسوسی، ورزش، تجهیزات نظامی، صنعت و توسعه فناوری ادامه داشت. این رقابت‌ها پیامدهایی مانند مسابقات فضایی، پرداخت هزینه‌های گزاف دفاعی، مسابقات جنگ‌افزار هسته‌ای و تعدادی جنگ‌های غیرمستقیم به دنبال داشت.

گرچه در طول جنگ سرد هرگز درگیری نظامی مستقیمی میان نیروهای ایالات متحده و شوروی به وجود نیامد اما گسترش قدرت نظامی، کشمکش‌های سیاسی و درگیری‌های مبین مهم کشورهای پیرو و هم‌پیمانان این ابرقدرت‌ها از پیامدهای آن به‌شمار می‌روند. هر چند ایالات متحده و شوروی در طول جنگ جهانی دوم و در مقابل آلمان نازی متحد بودند، اما حتی پیش از پایان جنگ نیز بر سر چگونگی دیوارسازی جهان پس از جنگ با هم اختلاف داشتند.

پس از جنگ در حالی که آمریکا در تلاش بود تا کمونیسم را در جهان محدود کند گستره جنگ سرد به بسیاری از نقاط جهان به ویژه اروپای غربی، خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا کشیده شد. در این دوره جهان با بحران‌های مکرر مانند ساخت دیوار برلین، جنگ کره، جنگ ویتنام، بحران موشکی کوبا و جنگ شوروی در افغانستان روبه‌رو شد که هر لحظه امکان یک جنگ جهانی را ایجاد می‌کرد اما در نهایت این اتفاق رخ نداد. یکی از دلایل مهم دوری هر دو طرف از ایجاد یک جنگ مستقیم دسترسی آنها به جنگ‌افزار هسته‌ای و ترس از استفاده طرف مقابل از این سلاح‌ها بود.

سرانجام در پایان دهه ۱۹۸۰ و با دیدارهای مقام‌های بلندپایه که به وسیله آخرین رهبر شوروی، میخائیل گورباچف ترتیب داده شد و برنامه‌های اصلاحی گورباچف جنگ سرد پایان یافت.

چگونگی فروپاشی شوروی

در ۱۹ اوت ۱۹۹۱، مقامات ارشد شوروی با احساس خطر سقوط شوروی به علت اصلاحات گورباچف، دست به کودتا زدند. احساس ثباتی یا بورژوازی جهانی و از دست دادن قدرت و ثروت باد آورده از دلایل اصلی تفکر کودتا بود.

اعضای کمیته دولتی، حالت فوق‌العاده را در صبحگاه ۱۹ اوت اعلام کرده و تانکها و زره پوش‌ها را روانه مسکو کردند. این در حالی بود که گورباچف در جزیره کریمه در استراحت بود و به نوعی با این کودتا در حبس قرار گرفت.

یلتسین همراه ۵۰ هزار نفر، در مقابل کودتا به مقاومت پرداخت و در این میان افرادی مانند «رتوسکی» هم در امان نماندند. مرگ استالین برخی از بررسی‌ها تعداد افرادی را که به دستور او و به مناسبت‌های مختلف دستگیر و اعدام شده بودند چیزی بین ۲۰ الی ۳۰ میلیون تن اعلام کردند. بعد از استالین، «یکیتا خروشچف» به رهبری رسید و یکی از نکات بارز رهبری وی حمایت از «جمال عبدالناصر» در مصر و ساخت سد اسوان در این کشور بود. وی با محکوم کردن جنایات استالین، چهره وی را تا حد زیادی روشن ساخت.

بعد از خروشچف، مشکلات دیوان سالاری پر از فساد و دولت غیرقابل‌انعطاف، مشکلاتش را نمایان کرد و «لئونید برژنف» دولتی بیمار را در اختیار گرفت که رو به سقوط بود. برژنف با حمله به افغانستان به نوعی بازی دو سر باختی را برای شوروی ایجاد کرد و هزینه‌های سنگینی را بر شوروی تحمیل کرد. با مرگ برژنف، «بوری ولادیمیریویچ آندروپوف» به قدرت رسید. آندروپوف که تنها ۱۶ ماه در سمت رهبری قرار داشت در همان مدت کوتاه تلاش کرد تا علیه فساد دولتی شدید اقداماتی را انجام دهد که البته ناموفق ماند و پس از وی «کنستانتین استینویچ چرنکو» به قدرت رسید که وی نیز تنها سیزده ماه پس از به قدرت رسیدن درگذشت و نهایتاً قدرت به «گورباچف» انتقال یافت. «میخائیل گورباچف» تنها رهبر شوروی بود که انقلاب اکتبر را ندیده بود. گورباچف که با کشوری عظیم و پر از فساد و مشکلات

در هشتم دسامبر ۱۹۹۱ رهبران روسیه، اوکراین و بلاروس در

خرید دستگاه ضرب سکه برای ایران

۲۵ دسامبر ۱۸۳۴ دولت وقت ایران یک دستگاه ضرب سکه از اروپا (بروکسل) خریداری کرد تا سکه‌ها دارای شکلی زیباتر و صد درصد یکنواخت باشند تا هنگام داد و ستد نیاز به توزین آنها نباشد. این دستگاه که تصمیم به خرید آن در آخرین سال حیات فتحعلی شاه قاجار داده شده بود نخستین ماشین ضرب مسکوک است که از اروپا برای ایران خریداری شده بود. می دانیم که ایران از زمان داریوش بزرگ دارای پول ملی (سکه داریک) شده بود و نخستین کشور جهان بود که نظام پولی داشت. فتحعلی شاه در همان سال در ۶۸ سالگی در اصفهان درگذشت و در قم مدفون شد و با این که فرزندان متعدد داشت، به توصیه او نوه اش محمد میرزا پسر عباس میرزا را بر جایش نشاندند. عباس میرزا که ولیعهد بود قبلاً فوت شده بود.



جنگل‌های بلاروس با یکدیگر دیدار و پیمانی را امضا کردند که بر اساس آن کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به وجود آمدند. روسیه خود را به عنوان جانشین اتحاد جماهیر شوروی معرفی کرد. در بیست و پنجم دسامبر، میخائیل گورباچف از سمت خود کناره‌گیری کرد. اتحاد شوروی به طور رسمی در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ از هم پاشیده شد. یک روز پس از آن، پارلمان اتحاد جماهیر شوروی اعلامیه انحلال این کشور را تصویب کرد.

آخرین اقدام انتقال قدرت از اتحاد شوروی به روسیه با انتقال کیف‌های (سناد) مربوط به کدهایی بود که اطلاعات مربوط به تسلیحات هسته‌ای این کشور را از گورباچف به یلتسین منتقل می‌ساخت.

روابط شوروی و ایران

شوروی که همزمان با سلطنت احمد شاه قاجار در شمال ایران تشکیل شده ارتباطی تنگاتنگ با ایران داشت و بارها و بارها حوادثی تاریخی در ایران با دخالت شوروی روی داد.

قرارداد ۱۹۲۱ ملابن ایران و شوروی در موضوعات مربوط به مسائل ارضی، مالی، اقتصادی، نظامی و سیاسی شروعی تازه از روابط دو طرف بود که با همین نام در تاریخ ثبت شده و باید در این میان از موج روشنفکران ایرانی تحت تأثیر شوروی هم یاد کرد. بزرگ علوی، رسول پرویزی، فریدون توللی، احمد آرام، جلال آل احمد، ملک الشمرای بهار، نیما یوشیج، صادق هدایت و … همگی از افراد مشهوری بودند که به حزب توده گرایش‌هایی پیدا کردند؛ هرچند ورود افکار مارکسیستی در ایران از زمان «تقی‌ارانی» و گروه معروف به «۵۳ نفر» آغاز شد.

حزب توده به عنوان قدیمی‌ترین حزب تاریخ ایران، به شدت تحت تأثیر شوروی قرار داشت و ماده اول این حزب با بیان حمایت از منافع شوروی، صحتی بر این مدعاست.

حزب توده که در دهه بیست شمسی به اتهام دست داشتن در ترور محمدرضا شاه غریقونی اعلام شد، در نهضت ملی شدن

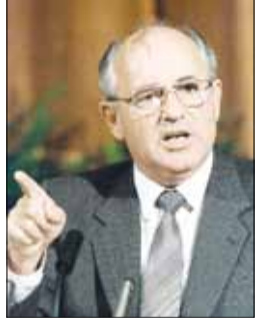
صنعت نفت ابتدا مصدق را عامل امپریالیسم غرب معرفی کرد و سپس با حرکت ضد انگلیسی مصدق، تا حدی با وی همراهی کرد. همین همراهی بر بدبینی ایالات متحده به مصدق افزود و نگرانی از به قدرت رسیدن حزب توده در ایران، یکی از عواملی شد که کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ علیه دولت مصدق را رقم زد.

از نکات جالب توجه در این میان آن است که با وجود حمایت ظاهری شوروی از همه جنبش‌های استقلال طلبانه، با تحریم نفت ایران در زمان مصدق از سوی انگلستان، شوروی هم از خرید نفت ایران خودداری کرد!

«برواند ابراهامیان» در کتاب «ایران میان دو انقلاب»، ابتدا از این نظر حمایت می‌کند که حزب توده حلی مصدق بود ولی در ادامه اعتراف می‌کند که در بین اعضای حزب اکثریتی پدید آمده بود تا پروژه حذف مصدق و به قدرت رسیدن خودشان را به اجرا بگذارند. بعد از کودتا بسیاری از افسران و اعضای حزب توده اعدام شدند و دستگیری عددهای افراد بلندپایه ارتش گواهی بر جاسوسی شوروی در ایران قلمداد شد.

جهان بعد از شوروی

فروپاشی شوروی، فرهنگ ملی کشورهای تازه استقلال یافته را زیر ضربات فرهنگ غربی قرار داد و فساد اخلاقی در این کشورها به نحو قابل ملاحظه‌ای گسترش یافت. فرهنگ مردمی و آسانی در مقابل فرهنگ خودخواهی و سرمایه داری تاب نیامورد. از سوی دیگر، فروپاشی شوروی جهان را تکان داد و توازن قوا در جهان تغییر یافت. ثبات بین‌المللی با چالش مواجه شد و نهضت‌های رهایی‌بخش ملی از پشتیبانی کشور مدعی حمایت از همه جنبش‌های استقلال طلبانه محروم شدند. سرمایه فرامالی با بهره گیری از آشفتنی بازار، اقتصاد کشورها تازه استقلال یافته در قلمرو شوروی سابق را نابود کرد و بازار این کشورها را به انحصار خود درآورد. سیاست نواستعماری در جهان سوم با فاطعه‌یتی هر چه تمام‌تر پیگیری شد و بالاخره فروپاشی شوروی جهان را به سمت تک قطبی شدن سوق داد.



میخائیل گورباچف



کنستانتین استینویچ چرنکو



بوری ولادیمیریویچ آندروپوف



لئونید برژنف



نیکیتا خروشچف



ژوزف استالین



ولادیمیر لنین

زادروز بنیانگذار کشور پاکستان

راهی لندن شد.

وی در سال ۱۸۹۵ از دانشگاه انگلیس فارغ التحصیل شد و بعد از دریافت مدرک دکترای قانون فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد. بعد از گذراندن دوران تحصیل در مقطع ابتدایی و دبیرستان، در سال ۱۸۹۲ وارد دانشگاه لینکلن شد و بعد از چهار سال تحصیل در رشته حقوق و کیلی توانا شد. سختکوشی و انضباط فکری او صمودش را به مراکز قدرت آسان کرد.

جناح در سال ۱۸۹۶ به کنگره هند پیوست و در سال ۱۹۱۳ به عضویت «حزب ال اندیا مسلم لیگ» که توسط مسلمانان هند تشکیل شده بود درآمد. وی در سال ۱۹۱۶ بعد از برگزاری اجلاس ویژه حزب مسلم لیگ در شهر «لکهنو» به عنوان رهبر این حزب انتخاب شد.

محمد علی جناح نقش مهمی در نزدیکی کنگره هند با حزب مسلم لیگ برای بیرون کردن انگلیس از هندوستان داشت. در سال ۱۹۲۹ جناح در گزارشی به عنوان «گزارش نهر» به ۱۴ نکته اساسی درباره حقوق مسلمانان تأکید کرد که بعدها مقدمه‌ای برای تشکیل یک کشور مسلمان شد.

جناح تمام عمر خود را صرف حمایت از حقوق مسلمانان شبه‌قاره کرد و چون مسلط به قانون بود تلاش‌های وی به ثمر نشست و سرانجام توانست کشور پاکستان را تشکیل دهد.

او در سال ۱۹۰۵ به طور رسمی وارد سیاست شد. با ورود محمد علی جناح به حزب کنگره ملی هند که برای کمک به انگلیسی‌ها تأسیس شده بود، فعالیت‌های این حزب که مقرر بود متناسب با منافع انگلیسی‌ها باشد، مخالف اهداف آنان عمل کرد.



محمد علی جناح ملقب به قائد اعظم در ۲۵ دسامبر سال ۱۸۷۶ در یکی از محله‌های کراچی و در منزل «جناح پونجا» به دنیا آمد.

وی بین ۷ خواهر و برادر خود بزرگترین فرزند خانواده بود. پدرش بازرگان بود و خواهرش «فاطمه» یکی از مبارزان دوران استقلال پاکستان و هندوستان بود. جناح تحصیلات ابتدایی خود را در کراچی و بمبئی به پایان رساند و برای ادامه تحصیلات